

## فهرست

	صفحه	فصل اول: کلیات
2		1-1- بررسی واژه مصرف
3		2-1- اصطلاح صرفه جویی
4		3-1- بررسی واژه اسراف
5		4-1- بررسی واژه اتراف
6		5-1- تبذیر
8		6-1- قناعت
8		7-1- فرق بخل و قناعت
9		8-1- سخاوت
10		9-1- اتلاف
11		10-1- زهد
		فصل دوم: مصرف
		1-2- مقدمات
		1-1-2- ضرورت تدبیر در مصرف
		12
14		2-1-2- میانه روی در مصرف
		3-1-2- جواز و عدم جواز مصرف
		15
		1-3-1-2- جواز تصرف
		15
15		1-1-3-1-2- اصل حلیت
16		2-1-3-1-2- طیب بودن چیزی
16		2-3-1-2- عدم جواز تصرف
18		5-1-2- پرخوری و زیانهای آن
19		6-1-2- اسلام و تشویق به مصرف

	2-2- اصول حاکم بر مصرف از دیدگاه اسلام
21	1-2-2- مبانی نظری و اعتقادی
-22	1-1-2-2- مالکیت حقیقی و اعتباری
	2-1-2-2- حکمت الهی و هدفداری خلقت
	23
	3-1-2-2- اعتقاد به جهان آخرت
	24
25	2-2-2- مبانی اخلاقی
25	1-2-2-2- برنامه ریزی
26	1-1-2-2-2- اصل نیاز
27	2-1-2-2-2- مقدار نیاز
29	3-1-2-2-2- انواع نیاز
33	جایی که شایسته مطرح نیست
34	4-1-2-2-2- بهترین راه رفع نیاز
34	2-2-2-2- اصل اولویت
36	3-2-2-2- اصل اعتدال
37	3-2- انگیزه‌های مصرف
37	1-3-2- انگیزه‌های مثبت مصرف
37	1-1-3-2- حب خدا طلب رضای او
38	2-1-3-2- احسان و نیکوکاری
38	3-1-3-2- استفاده از نعمت‌های الهی در جهت نیرو گرفتن برای عبادت او
39	4-1-3-3- عمران و آبادی زمین
41	2-3-2- انگیزه‌های منفی مصرف
	1-2-3-2- اظهار قدرت و شوکت

- 42 2-2-3-2- تجمل گرایی
- 46 3-2-3-2- خود نمایی و فخر فروشی
- 4-2- الگوی مصرف
- 47 1-4-2- الگو داشتن برای کار یعنی چه؟
- 2-4-2- الگو داشتن برای مصرف یعنی چه؟
- 48
- 50 3-4-2- الگو داشتن برای مصرف چه آثاری دارد؟
- 50 1-3-4-2- رسیدن به حیات طیبه
- 51 2-3-4-2- بی نیازی از مردم
- 3-3-4-2- داشتن خانواده و جامعه‌ای سالم
- 52
- 53 4-4-2- الگوی متغیر مصرف
- 54 5-2- آمار و ارقام نگران کننده
- 55 1-5-2- مصرف در ایران
- 60 فصل سوم - ریشه‌های مصرف بی رویه
- 60 1-3- عامل درونی
- 60 1-1-3- جهل و سطحی نگری
- 62 2-1-3- غفلت و فراموشی
- 66 3-1-3- ضعف ایمان
- 67 4-1-3- لذت طلبی و هوا پرستی
- 68 5-1-3- کسالت
- 6-1-3- مد گرایی
- 69
- 70 7-1-3- حریص بودن
- 74 8-1-3- روحیه تکاثری
- 77 آثار تجمل گرایی

80	راهکارهای مبارزه با تجمل گرایی
83	9-1-3- الگوهای نادرست رفتاری
	10-1-3- تبلیغات نظام سرمایه داری و نیازهای کاذب
	84
86	11-1-3- ضعف شخصیت
87	12-1-3- احساس بی نیازی و غنا
89	1-2-3- قوانین کارشناسی نشده
89	2-2-3- عادت‌ها و سنت‌ها غلط
91	3-2-3- ضعف مدیریتی
92	4-2-3- پایین بود کیفیت
93	5-2-3- سنتی بوده شیوه‌های مصرف
94	6-2-3- فرسودگی
94	7-2-3- ارزان بوده بهای انرژی
95	8-2-3- ترک از نهی از منکر
97	فصل چهارم: پی آمد مصرف گرایی
97	1-4- پی آمدهای دنیوی
98	1-1-4- از بین رفتن منابع ملی
99	2-1-4- زوال نعمت
100	3-1-4- بیماری‌های جسمی روحی و روانی
101	4-1-4- وابستگی‌های خارجی
103	5-1-4- کاهش برکت
105	6-1-4- فقر و افلاس
105	7-1-4- بخل
107	8-1-4- محرومیت از هدایت
108	9-1-4- بی مروتی

109	4-1-10- از بین رفتن شرافت
109	4-1-11- سلب توفیق
110	4-1-12- عدم استجابت دعا
112	4-1-13- برادری با شیطان
114	4-1-14- فساد
115	4-1-15- خیانت
117	4-1-16- ملامت و حسرت
118	4-1-17- قساوت قلب
119	4-1-18- اسراف مایه ظلم و گناه است
120	1-4-19- تجاوز
122	4-1-20- انکار حق
124	4-2- پیامدهای اخروی مصرف گرایی
124	4-2-1- خشم الهی
125	4-2-2- کیفر اخروی
127	4-2-3- خواری فیامت
129	4-2-4- هلاکت
130	4-2-5- فرجام دردناک
130	فصل پنجم
131	5- راه‌های مهار مصرف گرایی
131	5-1- اصل اعتدال و جایگاه آن در مصرف
133	5-1-1- معیارهای اعتدال
134	5-1-2- آثار اعتدال
135	5-1-2-1- آثار اقتصادی
135	5-2-2- سلامت جسم و جان
136	5-2-3- محبوبیت الهی

- 136 3-1-5- قلمرو اعتدال و میانه روی در اسلام
- 136 1-3-1-5- اعتدال در عبادت
- 137 2-3-1-5- اعتدال در راه رفتن
- 138 3-3-1-5- اعتدال در سخن گفتن
- 138 4-3-1-5- اعتدال در خوراک
- 140 5-3-1-5- اعتدال در امور اجتماعی
- 141 2-5- قناعت یعنی چه
- 142 1-2-5- رابطه حیات طیبه با قناعت
- 142 2-2-5- آثار قناعت
- 145 3-2-5- چگونه می‌توانیم گامی به سوی قناعت برداریم
- 145 4-2-5- رزق یعنی چه
- 146 5-2-5- زهد
- 147 1-5-2-5- مرز زهد
- 148 2-5-2-5- فلسفه زهد اسلامی
- 151 3-5- ممنوعیت اسراف
- 158 4-5- تقویت باورها و تثبیت ارزش‌های اخلاقی
- 159 5-5- افزایش آگاهی‌های عمومی
- 159 6-5- نظارت همگانی
- 160 7-5- تربیت خانوادگی
- 161 8-5- برقراری عدالت اجتماعی
- 163 9-5- دوری خواص از اتراف
- 164 10-5- الگوپذیری از الگوها
- 165 1-10-5- پیامبران را الگو قرار دادن
- 167 2-10-5- الگوپذیری از اهل بیت (ع)
- 169 3-10-5- علما و بزرگان دین

175	فصل ششم
175	6- نتیجه گیری و جمع بندی
178	چکیده انگلیسی
179	عنوان
180	چکیده عربی
181	عنوان
182	فهرست منابع

## پیشینه بحث

محققان اسلامی به خصوص فقها، ضمن مباحث فقهی خود و به پیروی از رهنمودها و سخنان رسیده از معصومان(ع) به برخی از مباحث مربوط به هزینه سازی و مصارف مالی پرداخته اند و پاره ای از احکام آن را به طور پراکنده مورد توجه قرار داده اند که در این میان می توان از شیخ طوسی (متوفای 460ق) در دو کتاب مسبوط و خلاف، ابن ادریس (م 598) در سرائر، محقق حلی (م 676) در شرایح الاسلام، علامه حلی (م 726) در کتب متعددش، محقق کرکی (م 940) در جامع المقاصد، فاضل نراقی (1245) در عوائد الایام و مستند الشیعه، شیخ محمدحسن نجفی (1266) در جواهر الکلام و... نام برد که به مناسبت های گوناگون، احکام خوراک، پوشاک، مسکن، نفقه همسر و... را مورد توجه قرار داده اند ولی اولاً: مباحث ایشان با صبغه کاملاً فقهی نگاشته شده اند، ثانیاً: تاکنون هیچ یک از دانشمندان مسلمان، بحثی مستقل و جامع که در بردارنده الگویی فراگیر و قابل اجرا دز عرصه های گوناگون باشد ارائه نداده اند که با نامگذاری امسال (سال 88) از طرف مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه ای بعنوان سال اصلاح الگوی مصرف، امید است مقالات، کتب و سمینارها و همایش های زیادی در کشور، الگوی مناسب اسلامی را تبیین نمایند.

## روش تحقیق

ما در سیر مباحث ابتدا فهرست موضوعی آیات را بررسی نموده ایم و آیاتی که در رابطه با موضوع مورد بحث ما بوده یادداشت برداری نموده و آنگاه به تفاسیر مختلف مراجعه کرده و تفسیری جامع از آیات را بیان کرده و از سوی دیگر روایات رسیده از معصومین درباره موضوع مورد بحث را تجزیه و تحلیل و مورد استفاده قرار داده ایم. و علاوه بر آیات و روایات دیدگاه های کارشناسان و واقعیات ارائه شده از سوی ایشان را مد نظر قرار بده تا مطالب از پشتوانه علمی و دینی و ضمانت اجرایی بیشتری برخوردار شوند و از آن جایی که مردم مسلمان و درعین حال واقع نگر، برای دین و آموزه های دینی، در صورتی که به درستی و واقع بینانه تبیین شوند، احترام و اهمیت ویژه قائلند. از این رو باید روش و شیوه تحقیق در این پژوهش را تلفیقی از شیوه های کتاب خانه ای و توصیفی دانست.

فصل اول

کلیات

## 1- کلیات

### 1-1- بررسی واژه مصرف:

مصرف که واژه ای است عربی و از آن در زبان فارسی، به هزینه و در زبان انگلیسی به **Consume, consumption** تعبیر می شود، مصدر میمی و اسم مکان و زمان است. از این رو باید آن را به معنای خرج کردن و زمان و مکان خرج نمودن دانست.<sup>1</sup>

ولی عرب زبانان برای رساندن این مقصود، بیشتر از تعبیر استهلاک استفاده می کنند و در اصطلاح اقتصادی «مصرف عبارت است از ارزش پولی کالاها و خدماتی که توسط افراد خریداری و تهیه می شود».<sup>2</sup>

برخی دیگر برای تبیین مقوله مصرف گفته اند: «آن قسمت از درآمد که صرف به دست آوردن لذت می گردد مصرف نامیده می شود».<sup>3</sup>

در دانش اقتصاد، مصرف، شامل دو گروه عمده خوراکی ها و غیرخوراکی هاست. خوراکی ها، شامل آشامیدنی ها، دخانیات، انواع نان، برنج، گوشت، لبنیات، روغن، میوه و سبزی و غیرخوراکی ها شامل گروه های پوشاک و کفش، مسکن، اثاثیه منزل، بهداشت و درمان، حمل و نقل و ارتباطات تفریحات و سرگرمی ها، خدمات فرهنگی و کالاها و. خدمات متفرقه است».<sup>4</sup>

از نگاه اقتصاددانان، مهمترین عامل تعیین کننده مصرف، درآمد است. اهمیت این امر به حدی است که از نگاه آنان، مصرف، تابع درآمد است به گونه ای که هر چه درآمد بیشتر باشد مصرف بیشتر خواهد بود و برعکس، ولی از نظر ما، باید اعتقادات و باورهای دینی و سطح فکری و فرهنگی آحاد جامعه را نیز از عوامل تعیین کننده مصرف دانست.

---

1 - معین، محمد، فرهنگ در جلدی معین واژه مصرف

2- اخوی، احمد، اقتصاد کلان، ص 151

3 - قدیری اصلی، باقر، کلیات علم اقتصاد، ص 274

4 - محتشم دولتشاهی، طهماسب، مبانی علم اقتصاد، ص 145-165

## 1-2- اصطلاح صرفه جویی:

صرفه جویی: به معنای اندازه نگه داشتن و پرهیز از ولخرجی است.<sup>۱</sup> صرفه جویی به مفهوم مصرف چیزی به شکل درست و مناسب آن است و این مساله برای ایجاد تعادل میان درآمد و هزینه، مهم و اساسی است و در حوزه اقتصاد خانواده و حوزه اقتصاد عمومی نیز می تواند تاثیرگذار و سرنوشت ساز باشد.

«صرفه جویی از نظر اقتصاددانان به معنای استفاده درست و مناسب از کالای اقتصادی و بهره وری و آگاهی نسبت به نیازهای واقعی است. در این جاست که مسئله آگاهی و شناخت خود را بر اقتصاد مصرف تحمیل می کند، در اقتصاد مصرف باید شخص به این نکته توجه کند که چه چیزی نیاز واقعی است؟ تا چه مقدار می تواند نیاز واقعی او را برآورده کند و افزون بر آن، بیرون از نیاز واقعی او می باشد.»<sup>۲</sup>

### به تعبیر مقام معظم رهبری:

«صرفه جویی صحیح، همان که در اسلام به آن قناعت می گویند، به معنای نخوردن نیست، به معنای زیاده روی نکردن، مال خدا را حرام نکردن، نعمت الهی را ضایع نکردن است. صرفه جویی یعنی آن چیزی را که قابل استفاده است و می توانیم از آن استفاده کنیم، استفاده کنیم. نسبت به امکانات با هوس رفتار نکنیم. دائماً چیزهای ماندگار را نو کردن، چیزهای ضایع نشدنی را دور ریختن، روش درستی نیست. به نظر من مسئولان کشور باید راه صرفه جویی و مقابله با اسراف را به مردم یاد بدهند.»<sup>۳</sup>

و از آن با تعبیری همچون قناعت، اعتدال، اقتصاد، میانه روی، یاد می شود.

---

۱ - معین، محمد، فرهنگ، ۶۴۳  
۲ - به نقل از مجله فرهنگیان بسیجی، سال ششم، شماره شانزدهم، تابستان ۸۷، ص ۸  
۳ - سخنرانی معظم له در مشهد، نوروز ۸۸

### 1-3- بررسی واژه اسراف :

«الاسرافُ: مُجَاوِزَةُ الْقَصْدِ»<sup>1</sup>

«السَّرْفُ تَجَاوُزُ الْحَدِّ فِي كُلِّ فِعْلٍ يَفْعَلُهُ الْإِنْسَانُ، وَ إِنْ كَانَ ذَلِكَ فِي الْإِنْفَاقِ أَشْهُرًا»<sup>2</sup>

اسراف تجاوز از حد است در هر کاری که انسان انجام می دهد، گرچه این کار در مورد انفاق، مشهورتر است.

«السَّرْفُ ضِدُّ الْقَصْدِ»<sup>3</sup>

قال الله تعالى: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا و لَمْ يَقْتُرُوا»<sup>4</sup>.

و کسانی که هر گاه انفاق می کنند زیاده روی نمی کنند و نه سخت گیرند.

«وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ»<sup>5</sup> ای الْمُتَجَاوِزِينَ الْحَدِّ فِي أُمُورِهِمْ، و قَوْلُهُ: «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ» ای بندگان من که بر جان خویش اسراف کردید.

، و قَوْلُهُ: «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ» ای بندگان من که بر جان خویش اسراف کردید<sup>6</sup>.

السَّرْفُ: «هُوَ عَمَلٌ يَتَجَاوَزُ عَنِ الْحَدِّ الْمَلْحُوظِ فِيهِ عَقْلاً أَوْ عَرْفاً، كَمَا فِي الْأَكْلِ الزَّائِدِ عَنِ الْحَدِّ وَ الْإِنْفَاقِ الْخَارِجِ عَنِ الْمَعْرُوفِ، وَ الْبِنَاءِ زَائِداً عَنِ شَأْنِهِ وَ مَقَامِهِ وَ جَمْعِ اثَاثِ الْبَيْتِ مُتَجَاوِزاً عَنِ الْحَدِّ الْعَرْفِيِّ وَ التَّوَسُّعِ فِي الْمَعَاشِ عَلَى خِلَافِ الْعَمَلِ وَ أَعْمَالِ خَارِجِهِ عَنِ الْحَدِّ وَ الْمَعْرُوفِ فِي الْمَعِيشَةِ مُطْلَقاً»<sup>7</sup> اسراف اسراف یعنی کاری را فراتر از آن محدوده ای که عقل یا عرف تعیین کرده است مانند خوردن بیش از اندازه یا بذل و بخشش بی حساب یا ساختن خانه ای بالاتر از شان و منزلت شخص یا استفاده از وسایل منزل یا امکانات بیش از اندازه ای که عرف برای کسی لازم می بسیند یا وسعت بخشیدن به زندگی خارج از محدوده درآمد بطور کلی کارهای فراتر از حد عرفی عقلایی در هر زمینه

اسراف - اسرافاً: «سرف المال: مال را اسراف کرد، فی کذا: در فلان کار افراط و از حد آن تجاوز

کرد ، خطا کرد، غلط کرد، جهل و نادانی کرد»<sup>8</sup>

اسراف: «از حد درگذشتن، درگذشتن از حد میانه، از حد تجاوز کردن، زیاده از حد خرج کردن،

بیهوده خرج کردن، زیاده روی، فراخ دستی ، گشاد بازی ، ولخرجی»<sup>1</sup>

<sup>1</sup> - ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۲۴۳

<sup>2</sup> - رابع اصفهانی، مفردات، ص ۴۰۷

<sup>3</sup> - فیروز آبادی، القاموس المحیط، ج ۳، ص ۲۲۱

<sup>4</sup> - فرقان، آیه ۶۷

<sup>5</sup> - غافر، آیه ۴۳

<sup>6</sup> - زمر، آیه ۵۳

<sup>7</sup> - التحفیق، علامه مصطفوی، ج ۵، ص ۱۱۰

<sup>8</sup> - فرهنگ اجدی عربی، فارسی، ص ۷۳

چنانچه از کتب لغت نمایان است هر چیزی که در غیر طاعت خداوند مصرف شود اسراف است چه کم باشد و چه زیاد، یعنی اینکه مال را بیهوده خرج کردن درحالی که خداوند در جاهای مختلف انسان ها را از اسراف نهی می کند و مسرفین را برادران شیاطین می داند و مسرفین را دوست نمی دارد ولی متأسفانه غالب افراد، کلوا و اشربوا را آویزه گوش کردند و لا تسرفوا را فراموش کردند.

#### 1-4- بررسی واژه اتراف:

الترفة: «التوسع في النعمة، تعال: اترف فلان فهو مترف».<sup>2</sup>

اترفناهم في الحياه الدنيا (المومنين/33) و اتبع الذين ظلموا ما اترفوا فيه (هود/116) و قال: ارجعوا الي ما اترفتم فيه (الانبياء/13) و اخذنا مترفيهم باعذاب (المومنون/64)

«ان الترف هو التمتع بالنعمة الدنيوية و سعة العيش في الحياط الدنيا و التمتع فيها من اي جهة و الاترف هو التوسيع في العيش و التنعيم في اي جهة من التمتع الدنيوية و اما الاترف بمعنى الابطار و الاطغاء: فمعان مجازيه و من لوازم السعة في العيش».<sup>3</sup>

ریشه آن ترف می باشد که به باب افعال رفته و ماضی و مصدر آن چنین است، اترف، اتراف «ترف الرجل: آن مرد در ارتکاب گناه اصرار ورزید، تَرَفَهُ الْمَالُ: مال و ثروت او را به فساد کشانیده، او را بی خیال کرد».<sup>4</sup>

با بررسی کتب لغت:

این نتیجه حاصل می شود که مترف یعنی ، کسانی که بیش از حد و حساب سرمایه دارند و این سرمایه را غالباً در راه فساد خرج می نماید و آنرا غیر از راه حلال به دست آورده اند و در واقع پول پرست هستند و پول برای آنها بت شده است.

مترف: یعنی کسی که دارای زندگی پرنواز و نعمت و زندگی پر زرق و برق است، یعنی کسی که غرق در مادیات است و از معنویت و نور حق تهی است

#### 1-5- تبذیر:

---

<sup>1</sup> - فرهنگ محمدمعین ، واژه اسراف  
<sup>2</sup> - مفردان راغب، ص ۱۶۶  
<sup>3</sup> - التحقيق / علامه مصطفوي/ ج ۱، ص ۳۸۵  
<sup>4</sup> - فرهنگ اجمدي عربي، فارسي، ص ۱۰

از ریشه بذر است، به معنای پاشیدن تخم، و به اسراف کار از آن مبذر می گویند که مال را می پاشد و متفرق می کند.<sup>۱</sup>

راغب گوید: تبذیر به معنای تفریق و اصل آن بذر پاشیدن است، بعداً بطور استعاره به آنکه مال خویش را ضایع می کند مبذر گفتند «ان المبذرين كانوا اخوان الشياطين» (اسراء/27) و فیل: التبذیر « انفاق المال فی المعاصی - افساد المال و انفاقه فی السرف»<sup>۲</sup>

این کلمه مخصوص مواردی است که انسان اموال خود را به صورت غیر منطقی و در فساد مصرف می کند و معادل آن در فارسی، ریخت و پاش است.

و به تعبیر دیگر، تبذیر آن است که مال در غیر موردش مصرف شود هر چند کم باشد و اگر در موردش صرف شود تبذیر نیست هر چند زیاد باشد.

چنانچه در تفسیر عیاشی از امام صادق (ع) می خوانیم: که در ذیل این آیه در پاسخ سوال کننده ای فرمود: «من انفق شيئاً فی غیر طاعه الله فهو مبذور و من انفق فی سبیل الله فهو مقتصد».<sup>۳</sup> هر کس چیزی در درراه غیر خداوند انفاق کند پس او مبذر است و اگر در راه خدا انفاق کند میانه رو است و لا تبذر تبذیراً: «قیل ان المبتذر البذی ینفق المال فی غیر حقه، عن بن عباس و ابن مسعود و مجاهد لو انفق مداً فی باطل کان مبتذراً ولو انفق جمیع ماله فی الحق لم یکن مبتذراً».<sup>۴</sup> گفته شده که مبذر کسی است که مال را در غیر راه حق انفاق می - ۶ - قناعت

قناعت از ((قنع)) به معنای قانع بودن و اکتفا به اندازه کفاف))<sup>۵</sup>. از فضایل برجسته اخلاقی می باشد. وجود این صفت در افراد یکی از موانع اسراف در زمینه های آن می باشد. کسی که روحیه قناعت بر او حاکم باشد در خوراک، پوشاک، مسکن، و غیره، به آنچه دارد اکتفا می کند و لذا اسراف نمی شود.

امام علی (ع) فرمود: ((ما فوق الكفاف اسراف))<sup>۶</sup> بیش از اندازه ی کفاف اسراف است.

۱ - قاموس، قریشی، ج ۱، ص ۷۳

۲ - العین، ج ۸، ص ۷۳

۳ - بگرفته از تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۸۷

۴ - مجمع البیان، ج ۶، ص ۶۳

۵ - خلیل جر فرهنگ لاروس، عربی فارسی، ص ۱۶۷۲

۶ - محدث نوری، مستدرک الوسایل، ج ۱۵، ص ۲۷۳

بنا بر این حاکم کردن روح قناعت در جامعه و تبدیل آن به یک فرهنگ از پیش نیازهای اساسی برای عملی ساختن شعار اصلاح الگویی مصرف می باشد .

پیامبر اکرم ((ص)) فرمود : **مَلِكُ الْقَنَاعَةِ لَا يَزُولُ وَهِيَ مَرْكَبٌ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى تَحْمِلُ صَاحِبَهَا إِلَى دَارِهِ فَأُحْسِنِ التَّوَكُّلَ فِيمَا لَمْ تَعْطِهِ وَالرِّضَى بِمَا أُعْطِيَتْ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عِزِّ الْأُمُورِ**<sup>۱</sup> : دارایی قناعت از بین رفتنی نیست ، وقناعت وسیله رسیدن به رضایت الهی است که صاحب خود را سوار کرده و در منزل رضایت الهی پیاده می کند .

### ۱-۷- فرق قناعت و بخل

امام کاظم (ع) در تعریف بخل می فرماید (البخلُ من بخل بما افترض الله عليه)<sup>۲</sup> بخیل کسی است که به آنچه خدا بر او واجب ساخته بخل می ورزد .

بنا بر این بخل به معنای خود داری از بذل و بخشش است در جایی که انسان باید ببخشد و اما قناعت اکتفا به وضعیت موجود و اندازه ی کفاف است ، به بیان دیگر در قناعت امساک از آنچه باید خرج شود وجود ندارد و بخل ربطی به معنای اکتفا به قدر کفاف ندارد و از حیث مفهوم کاملاً با یکدیگر متفاوتند

### ۱-۸- سخاوت

سخاوت از ریشه (( سخو به معنای جود و بخشش ))<sup>۳</sup> و از شریفترین صفات اخلاقی است . سخاوت از منظر امام صادق (ص) (بخشش مال در راه حق است) (السخيُّ الكريمُ الذي يُنفِقُ مَالَهُ فِي حَقِّ)<sup>۴</sup> . و از منظر امام علی (ع) سخاوت دارای دو رکن است (السخاءُ ان تكونَ بمالك متبرعاً وان

<sup>۱</sup> - همان ، ص ۲۲۵ -

<sup>۲</sup> - کافی ، کلینی ، ج ۴ ، ص ۴۵ و بحار الانوار ، ج ۷۳ ، ص ۳۰۵

<sup>۳</sup> - خلیل جر ، لاروس ، ص ۱۱۷۶ .

<sup>۴</sup> - مشکاه الانوار فی غور الاخبار ، ص ۲۳۰

مال غيرك متورعاً)<sup>۱</sup>. بخشش مال بدون در خواست عوض و چشم پوشی از مال دیگران یکی از راهکارهای اسلام برای جلوگیری از اسراف در مالکیت، ترغیب مسلمان به انفاق و بخشش و تلاش برای ایجاد روحیه سخاوت در جامعه است. این مطلب هم در قرآن مورد توجه قرار گرفته هم در روایات به شدت مورد سفارش بوده است. پیامبر اکرم (ص) می فرماید (الجنة دار الاسخياء)<sup>۲</sup> بهشت خانه سخاوتمندان است.

از منظر قرآن، اساس طغیان انسان زمانی است که احساس بی نیازی می کند و تجمع اموال به شکل گیری و تقویت این حس کمک شایانی می کند، پس انسان با بذل و بخشش این اموال در مسیر حق و به افراد نیازمند، هم از اسراف در زمینه های مختلف جلوگیری می کند و هم سلامت خویش و جامعه را تامین می کند.

گاهی ممکن است برخی افراد فاسراف را با سخاوت اشتباه بگیرند، چه بسا فرد یا افرادی که دست به ریخت و پاش های بیهوده زده، دچار گناه کبیره اسراف می شوند و با این حال گمان می کنند از سخاوتمندترین افراد هستند قرآن کریم این افراد را چنین توصیف می کند (قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا)<sup>۳</sup>

بگو آیا به شما خیر دهیم که زیانکارترین مردم در کارها چه کسانی هستند؟ آنهایی که تلاشهایشان در زندگی دنیا گم شده با این حال می پندارند کار نیک انجام می دهند

۱-۹- اتلاف

اتلاف از ریشه تلف (به معنای از بین بردن، تباه سازی و نابود سازی است) (التَّلْفُ الْهَلَاكُ وَالْعَطْبُ فِي كُلِّ شَيْءٍ) لذا اتلاف و نابود سازی نعمت ها، اعم از مادی و معنوی و جسمی و روحی از مصادیق مهم اسراف و تبذیر می باشد. یعنی در واقع انسان اگر مالی را در غیر راه حق خرج کند آن را تلف کرده است یا اگر دانشی بیاموزد که به درد دنیا و آخرت وی نخورد وقت و عمر گرانبهایه را تلف نموده است یا

۱ - تصنیف غررالحکم ودرر الکلم، ص ۳۷۵

۲ - مشکاه الانوار فی غور الاخبار، ص ۲۳۰

۳ - سوره کف، آیات ۱۰۳ و ۱۰۴

اگر وقت را به بطالت بگذرانند و هیچ فایده ای برای او نداشته باشد عمر را ضایع کرده است اینکه روایت شده خداوند بنده بیکار و پیر خواب را دوست ندارد بدین خاطر است که زمان را تباه کرده است .

((جهل به ارزش نعمت ها یکی از عوامل اصلی اتلاف نعمت است ، بنا بر این یکی از راهکارهای اساسی مبارزه با اسراف ، آگاهی بخشی در زمینه ارزش و اهمیت نعمت ها می باشد ، پایین آوردن قیمت نان و سایر نعمت ها با یارانه ، یک نوع ارزش گذاری کاذب است که با واقعیت مساله تفاوت چشمگیری دارد و نتیجه ای جز اتلاف و اسراف این نعمت های عظیم الهی ندارد ))<sup>۱</sup> امروزه ضرب المثل شده هیچ ارزانی بی علت نیست ، یعنی او . لین چیزی که به ذهن خطور می کند بی ارزش بودن آن است پس یارانه زمانی مفید است که ارزش نعمت را در چشم مردم کم رنگ ننماید .

---

<sup>۱</sup> - شهباز ورزنه ، ابوالقاسم ، گامی به سوی اصلاح الگوی مصرف ، ۳۰ ص .

زهد به معنای بی میلی و در مقابل رغبت و کشش و میل است، البته نه بی میلی طبیعی، بلکه بی میلی روحی و عقلی. و در لسان العرب چنین آمده ((والزهدُ ضدُّ الرغبةِ=والحرصِ علي الدنيا، والزهادةُ علي الاشياء كلها ضدُّ الرغبةِ))<sup>۱</sup>

و زاهد به کسی گویند که از چیزی روی گردان و بی میل باشد و به اندک آن خشنود، زهد معمولاً در مورد بی اعتنائی به دنیا به کار می رود و معادل آن در زبان فارسی، ساده زیستی می باشد که اگر زهد را یک صفت درونی بدانیم، ساده زیستی نتیجه این بی رغبتی خواهد بود. کسی که در او صفت زهد باشد دنیا و زخارف آن در چشمش کوچک می شود و لذا به حداقل مصرف اکتفا نموده و از بیش از آن چشم پوشی می کند، چنین شخصی هرگز دچار اسراف و تبذیر نمی شود.

فرق بین زهد و رهبانیت

بهرتر است این جواب را از زبان معلم اخلاق و متفکر شهید استاد مطهری بشنویم ((حقیقت این است که زهد اسلامی غیر از رهبانیت است، رهبانیت بریدن از مردم و رو آوردن به عبادت است. بر اساس این اندیشه که کار دنیا و آخرت از یکدیگر جدا و دو نوع کار بیگانه از هم است این است که رهبانیت بر ضد زندگی و بر ضد جامعه گرایي و مستلزم کناره گیری از خلق و بریدن از مردم، و سلب هر گونه مسئولیت و تعهد از خود است))<sup>۲</sup>

---

۱ - لسان العرب، ج ۹، ص ۱۸

۲ - مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، ص ۲۱۷

فصل دوم

مصرف

## 2- بخش دوم مصرف

### 2-1-1- مقدمات

#### 2-1-1-1- ضرورت تدبیر در مصرف

مصرف ، از نگاه اقتصادی دارای اهمیت به سزایی است تا جایی که اقتصاد دانان ابراز داشته اند مصرف ، در عین اینکه هدف نهایی از تولید و توزیع است ، از عوامل موثر در آن نیز می باشد . بر همین اساس ، آنان از اصلی به عنوان حاکمیت مصرف کننده سخن گفته اند ، یعنی (( این مصرف کننده است که به تولیدات و چگونگی تخصیص منابع تولید و توزیع شکل می دهد )) برای مثال در یک جامعه مبتلا به جنگ ، وقتی همه اولویت ها به امر جنگ و دفاع داده شود ، تولیدات و توزیع ثروت ها نیز در مسیر جنگ قرار می گیرد. بنابراین مصرف تنها تابعی از تولید و توزیع نیست بلکه از سوی دیگر ، تولید و توزیع هم تابع مصرف است . به دیگر سخن ، میان مصرف و تولید و توزیع ، هم رابطه علی و معلولی وجود دارد و هم این که مصرف ابزار مهمی در توجیه چگونگی تولید است .<sup>1</sup>

افزون بر این، کم و کیف مصرف مسائل جانبی آن پیوند وثیق ، با فرهنگ و آداب و رسوم و باورهای آحاد جامعه دارد و بطور کلی نمی توان از تأثیر فراوان این امر در نیک بختی یا شوربختی آحاد جامعه چشم پوشید .

اهمیت فراوان این امر سبب شده است ، پیشوایان بزرگ دین ، با سخن و سیره خود بر تدبیر در مصرف و تقدیر معشیت تأکید ورزند شیخ طوسی به سند خود از شخصی به نام حسین نقل می کند :  
سَمِعْتُ رَجُلًا يَقُولُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) : بَلَّغْنِي أَنَّ الْاِقْتِصَادَ وَالتَّدْبِيرَ فِي الْمَعِيشَةِ نِصْفُ الْكَسْبِ ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) : لَا بَلَّ هُوَ الْكَسْبُ كُلُّهُ وَ مِنْ الدَّيْنِ التَّدْبِيرُ فِي الْمَعِيشَةِ :<sup>2</sup>

شنیدم شخصی به امام صادق (ع) عرض می کرد : به ما گفته اند : اقتصاد و تدبیر در معشیت نیمی از کسب است . حضرت فرمودند : نه بلکه این کار ، همه کسب است ، و از جمله دینداری تدبیر در معشیت است . و در حدیثی که آن را شیخ کلینی به سند خود از امام باقر (ع) نقل می کند آمده است :

<sup>1</sup> - دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ، مبانی اقتصاد اسلامی ، ص ۲۸۵ .

<sup>2</sup> - محمد بن حسن طوسی ، امالی ، ص 666 .